



## اجابت دعای اصحاب کهف (قرآن)

هنگامی که اصحاب کهف دعا می‌کنند که خدایا! به لطف خاص خود رحمتی به ما عطا فرما و بر ما وسیله رشد و **هدایت** کامل را مهیا ساز، خداوند می‌فرماید: "بر گوش‌های آنان پرده بی‌هوشی زدیم...".  
بر گوش آنان پرده زدن، **کنایه** از خواب بوده و در واقع با همین حالت دعای آنان به اجابت رسیده و نجات یافتند و بر همان هدایتی که از جانب **حق** داشتند، پابرجا ماندند.

### فهرست مندرجات

#### ۱ - اجابت دعا با مسلط شدن خواب

##### ۱.۱ - تفسیر آیه

##### ۱.۱.۱ - مراد از اوی و فتی

##### ۱.۱.۲ - مراد از هیییء

##### ۱.۱.۳ - مراد از رحمت

##### ۱.۱.۴ - مراد از رشد

##### ۱.۲ - بیان آیه

##### ۱.۲.۱ - مراد از خواب حقیقی

#### ۲ - پانوئیس

##### ۲.۱ - منبع

### اجابت دعا با مسلط شدن خواب

هنگامی که خواب بر **اصحاب کهف** مسلط شد، دعایشان به **اجابت** رسید:  
«إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»؛

[۱] **کهف/سور ۱۸، آیه ۱.**

«زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: «پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز!».

← تفسیر آیه

← مراد از اوی و فتی

کلمه (اوی) از (اوی) است که به معنای برگشتن است، البته نه هر برگشتنی؛ بلکه برگشتن **انسان** و یا حیوان به محل اقامت و زندگی‌اش تا در آنجا دوباره **استقرار** یابد؛ و کلمه (فتیة) جمع سماعی (فتی) است، و (فتی) به معنای جوان است، و این کلمه خالی از شائبه **مدح** نیست و تقریباً منظور از آن، جوان خوب می‌باشد.

← مراد از هیییء

کلمه (هیییء) از ماده تهیه و آماده کردن است. بیضاوی گفته است که اصل تهیه هر چیزی پدید آوردن هیئت آن است. و کلمه (رشد) - به فتحه را و شین - و همچنین کلمه (رشد) - به ضمه را و سکون شین - راه یافتن به سوی مطلوب است. [راغب اصفهانی/راغب] گفته: (رشد) و (رشد) در مقابل (غی) است که در جای کلمه هدایت **استعمال** می‌شود.

← مراد از رحمت

مقصود از (رحمت) و (رشد) در دعای اصحاب کهف: (ربنا اتنا من لدنک رحمة و هیی لنا من امرنا رشدا)

و جمله (فقالوا ربنا اتنا من لدنك رحمة) تفریع دعای ایشان است بر بازگشتن ایشان، گویا وقتی ناتوانی و بیچارگی خود را دیدند مضطر به این شدند که از درگاه **خدا** مسئلت نمایند، و این تفریع را کلمه (من لدنك) تأیید می‌کند؛ زیرا اگر دستشان از هر چاره‌ای قطع نشده باشد، و یأس و نومیدی از هر طرف احاطه‌شان نکرده باشد، رحمتی را که درخواست کردند مقید به قید (لدنك) نمی‌کردند؛ بلکه می‌گفتند اتنا رحمة - خدایا به ما رحمتی فرست (همچنان که دیگران می‌گویند): ربنا اتنا فی الدنيا حسنة و یا می‌گویند: (ربنا و اتنا ما وعدتنا علی رسولك) پس مراد از **رحمت** سؤال شده، تأیید الهی بوده در جایی که مؤیدی غیر او نیست. ممکن هم هست مراد از رحمت سؤال شده از ناحیه پروردگار پاره‌ای مواهب و نعمت‌های مختص به خدا باشد؛ از قبیل **هدایت** که در موضعی از **کلام** مجیش آن را از ناحیه خودش به‌تئهایی دانسته است، تقیید به جمله (من لدنك) هم خالی از **اشعار** به این معنا نیست. و ورود نظیر این قید در دعای **راسخین** در **علم** که در **قرآن** آمده باز این احتمال را تأیید می‌کند؛ چنانچه فرموده: (ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذهدیتنا و هب لنا من لدنك رحمة) که می‌دانیم در این درخواست جز هدایت چیزی را نخواستند.

← مراد از رشد

و در جمله (وهیء لنا من امرنا رشدا) مراد از (امرنا) آن وصفی است که مخصوص به خود آنان بوده؛ و به خاطر همان وضع از میان قوم خود بیرون آمده و فرار کرده‌اند و حتماً آن قوم در پی مردم با **ایمان** بوده‌اند تا هر جا یافتند آنها را به **قتل** برسانند، و یا بر پرستش غیر خدا مجبورشان کنند. و این عده پناهنده به غار شدند؛ در حالی که نمی‌دانستند سرانجام کارشان به کجا می‌رسد، و چه بر سرشان می‌آید، و غیر از پناهندگی به **غار** هیچ راه نجات دیگری نداشتند، و از همین جا معلوم می‌شود که مراد از رشد همان راه یافتن و اهداء به روزنه نجات است.

پس این جمله، یعنی جمله (وهیء لنا من امرنا رشدا) بنا بر احتمال اول - از او احتمالی که در سابق در معنای رحمت گذشت - **عطف** تفسیر بر جمله (اتنا من لدنك رحمة) خواهد بود، و بنا بر احتمال دوم درخواست دیگری غیر درخواست رحمت خواهد شد.

۱۱ طباطبایی، **مُحْسِنِ، الْمِيزَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، تَرْجَمَةُ مَوْسَى هَمْدَانِي، ج ۱۳، ص ۳۴۱.**

•• «فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَّةً»؛

۱۱ **كهف/سور ۱۸، آیه ۱۱.**

«ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم، و سال‌ها در خواب فرو رفتند».

← بیان آیه

← مراد از خواب حقیقی

جمله ضربنا علی آذانهم (پرده بر گوش آنها زدیم) در **لغت عرب** **کنایه** ظریفی است از خوابانیدن؛ گویی پرده و حجابی بر گوش شخص افکنده می‌شود تا سخنی را نشنود و این پرده، همان پرده **خواب** است.

به همین دلیل خواب حقیقی، خوابی است که گوشه‌ای **انسان** را از کار بیندازد، و نیز به همین دلیل هنگامی که کسی را می‌خواهند بیدار کنند، غالباً از طریق صدا زدن و نفوذ در شنوایی او بیدارش می‌کنند.

تعبیر به سنین عدا (سال‌های متعدد) **اشاره** به آن است که خواب آنان سالیان دراز به طول انجامید؛ چنان‌که شرح آن در **تفسیر آیات** آینده به خواست **خدا** خواهد آمد.

۱۱ **مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۵۸.**

پانویس

۱. ↑ **كهف/سور ۱۸، آیه ۱۰.**

۲. ↑ **طباطبایی، مُحْسِنِ، الْمِيزَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، تَرْجَمَةُ مَوْسَى هَمْدَانِي، ج ۱۳، ص ۳۴۱.**

۳. ↑ **كهف/سور ۱۸، آیه ۱۱.**

۴. ↑ **مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۵۸.**

← منبع

مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۴۵۴، برگرفته از مقاله «اجابت دعای اصحاب كهف».

رده‌های این صفحه: **اصحاب كهف** | **دعا** | **موضوعات قرآنی**